

روایت‌هایی از «داستان‌های دیدنی»

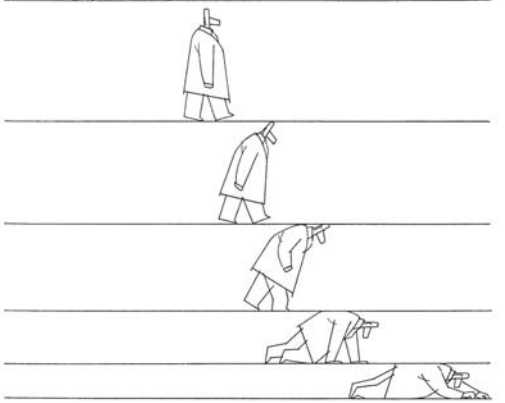


محمود صدیقی

هنرمندان غالباً آثار هنری خود را فارغ از تفسیرها و تاول‌هایی که شارحان و منتقدان درباره آنها می‌نویسند، خلق می‌کنند. دست‌کم کامبیز درم‌بخش، آنگونه که خودش با صراحت می‌گوید، چنین است. او «آتات حسی» خود را به تصویر می‌کشد و جهان را آنگونه که می‌بیند روی کاغذ می‌آورد و پیش چشم دیگران می‌گذارد.

کتاب «داستان‌های دیدنی: طرح‌های کامبیز درم‌بخش»، روایت مکاشفه‌های طراح است که از درون مشاهده و نظاره اشیاء بیرون می‌آید. جهانی که کامبیز در این‌کتاب، به «خواننده طرح‌ها» نشان می‌دهد، مانند «صورت‌های مثالی» فلسفه افلاطون است که گویی از پیش در جایی خانه داشته‌اند، اما از یادها رفته بوده‌اند و باید کسی می‌آمده آنها را از ظلمت فراموشی بیرون بکشد و به بازار چشم‌هایی برود که هم بیننده‌اند هم خواننده.

حال، مکاشفه‌های طراح صورت مادی و عینی یافته و از دنیای ذهن او جدا شده و لاجرم به دست اهل تفسیر و تاول و نقد افتاده است. تفسیر و تاول، بنا به خصلت دیگربودگی‌شان در برابر اثر هنری، به آن معناهایی می‌افزاید و نسبت می‌دهد که شاید خالق اثر سودای آن را نداشته و به آن نیندیشیده باشد. آنچه در پی می‌آید از همین دست تاول‌هاست که قصد ندارم آنها را به کامبیز درم‌بخش نسبت دهم، بلکه مرادم این است که از ملازمه قهری هنر با شاخ‌های از معارف بشری سخن بگویم که علی‌الظاهر هیچ نسبتی با هنر ندارد؛ دانش اقتصادی. غالباً وقتی سخن از اقتصاد به میان می‌آید، آذهان به سبوی واژه‌ها و مفاهیمی مانند پول، ثروت، بازار، حرص، تقلب، ستم، چپاول، بی‌رحمی، خشونت، زمختی، استثمار، انحصار، بردگی، رشوه، بی‌عدالتی، اجحاف و نظایر اینها می‌رود. اینها و واژگان پرشمار دیگر، در زبان عوام تقریباً همیشه و در زبان خواص در غالب موارد، همزاد «اقتصاد» یا دست‌کم از عوارض آن شمرده شده است. این تلقی از اقتصاد که شیوع جهانی هم دارد و خاص ایران نیست، موجب جدایی نظری و عملی اهالی ادب و هنر از متفکران و کنشگران اقتصادی شده است؛ گروه اول به حوزه معنا و لاهوت و گروه دوم به حوزه ماده و ناسوت رانده شده‌اند. کار اهل ماده در چشم اهل معنا، تجلی رویه پست انسان



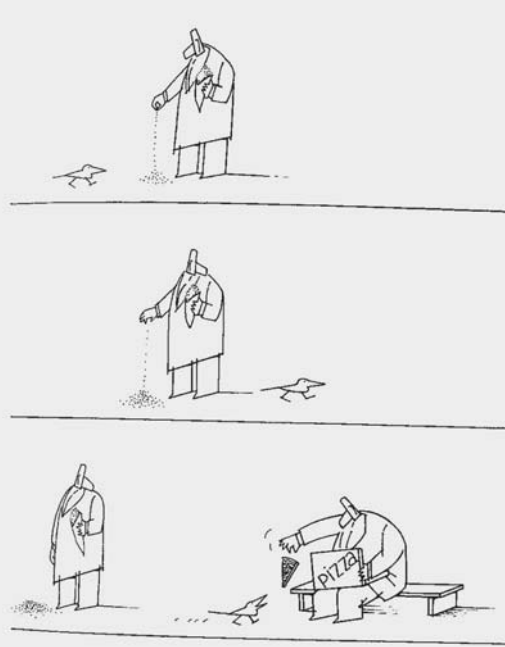
مختصری درباره‌ی نحوه‌ی جان‌گیری کتاب «داستان‌های دیدنی»

فیلم‌های کوتاه کاغذی

بودم که باید حرفه‌ای‌تر طبقه‌بندی می‌شدند. پس باید به‌لحاظ بصری تا جایی که می‌شد بیننده را با کتاب درگیر می‌کردم. بنابراین با کشف المان‌های به‌کاررفته در طرح‌ها، و یا حرکت‌های فیزیکی درون کارتون‌ها به توالی آنها دست یافتم. خالی از لطف نیست که یک‌بار هم کتاب را از این دید تورق کنید! به‌هرحال کارتون استریپ‌ها در ۹ فصل دسته‌بندی شدند.

در این اثنا باید به نحوه و لحن ارائه‌ی این کتاب می‌اندیشیدم که اساس‌اش بر ایجاز و ساده‌گی بود. اصولاً روش کار من در نقش یک بوک‌دیزاینر، دست‌کم تا به امروز پای‌بندی به فحوای کتاب بوده است، بنابراین باید «بسته‌بندی» این محصول فرهنگی نیز هم‌سو، درخور، و در خدمت ارائه‌ی محتوای آن می‌بود و نه به روش معمول این‌روزها؛ در خدمت ارائه‌ی طراح گرافیک!

اتودهای مختلفی برای کانسبت طراحی کتاب داشتم اما به‌واسطه‌ی بحث پِرِگِنگ «دیداری‌بودن» در عنوان و کارها، سرآخ‌به ایده‌ی مناسبی رسیدم که هماهنگ با طرح‌ها وظیفه‌ی خودش را ایفا کند. به این صورت که وقتی کتاب را در دست می‌گیرید گویی یک ویدئولیر در اختیار دارید! و قرار است فیلم‌های کوتاهی را مشاهده کنید. کتاب در صفحه‌ی آغازین با لودینگ شروع شده، کلاکت می‌خورد و دکمه‌ی پلی زده می‌شود. در



داستان‌های دیدنی: روایت رهایی انسان

تصور شده و کار اهل معنا در چشم اهل ماده، خیال‌پردازی و وهم انگاشته شده است. این دوگانگی لابد علت‌های بسیاری دارد؛ اما تا آنجا که به علم اقتصاد مربوط می‌شود، علت را باید در وهله نخست در انفکاک علم اقتصادِ متعارف از فلسفه و دیگر دانش‌های انسانی، از جمله ادبیات و هنر جستجو کرد. تن‌دادن اقتصاد به سلطه تکنیک و تهی‌شدن‌ش از اصول موضوعه فیلسوفانه، قدرت اقناعی آن را میان دانشوران دیگر معارف انسانی کاهش داده و لاجرم اقتصاد را به «دانش کسب پول» فروکاسته است. سهم اهالی ادب و هنر در این جدایی نیز به تلقی ایشان از علم اقتصاد مربوط می‌شود. شاعران و نویسندگان و روشنفکرانی که از روایت‌های فیلسوفانه اقتصاد خبر داشته باشند کم‌شمارند و تصور شده و کار اهل معنا در چشم اهل ماده، خیال‌پردازی و وهم انگاشته شده است. این دوگانگی لابد علت‌های بسیاری دارد؛ اما تا آنجا که به علم اقتصاد مربوط می‌شود، علت را باید در وهله نخست در انفکاک علم اقتصادِ متعارف از فلسفه و دیگر دانش‌های انسانی، از جمله ادبیات و هنر جستجو کرد. تن‌دادن اقتصاد چیزی نیست مگر مهارت‌های کسب سود. همین تلقی از اقتصاد، در ۱۵۰سال گذشته، محمل نقدهای بسیار بر علم اقتصاد به‌عنوان ابزار توجیه طبقات مسلط شده است. بخشی از این نقدها را دانشمندان علوم اجتماعی و اقتصادی نوشته و گفته‌اند و بخشی دیگر در قالب آثار ادبی و هنری ظاهر شده‌اند. سلطه بی‌چون‌وچرای چپ‌گرایی بر ادبیات جهان آشکارترین نشانه چنین وضعی است. این نقدها، جامنایه‌ای مشترک دارند که همانا نشان‌دادن کاستی‌های نظام اقتصادی کاپیتالیستی و علم اقتصاد «بورژوایی» با اقتصاد بازار است. حال آنکه داستان‌نویسان بزرگ جهان، از سروانتس تا توماس مان، زشتی‌ها و بی‌عدالتی‌های جهان را با استادی تمام نشان داده‌اند؛ اما تحلیل ادبی و فلسفی آثار ایشان نشان می‌دهد که ریشه این تباهی‌ها را اقتصاد آزاد با رقابتی نمی‌دانسته‌اند، بلکه در این آثار نشان داده‌اند که دقیقاً عکس این صادق است، یعنی چیزی‌گی قدرت سیاسی بر بازار است که موجب فقر و تیره‌روزی شده است نه جاری‌بودن سازوکارهای بازار. اقتصاد، برخلاف باور شایع، آموزش مهارت‌های کسب پول نیست؛ بلکه تبیین فلسفه‌ای روشن در باب کنش‌های بشری و نشان‌دادن درونمایه‌های فلسفی و هنری کردارهای آدمی است که در دادوستد و بازار متبلور و بازنموده می‌شود. چنین دانشی به زندگی انسان معنا می‌بخشد و عناصر مشروعیت‌بخشی به آزادی او را کشف می‌کند. همه آنچه را که قرار بود در این نوشته‌ها بیاید و بیان الکن و مجال کم مانع آن شد، در یکی از طرح‌های کامبیز درم‌بخش که در صفحه ۱۸۳ کتاب «داستان‌های دیدنی» چاپ شده، با هزار زبان گویا، آمده است. این طرح نشان می‌دهد که قامت افراشته انسان در برابر موانع دستوری، ابتدا خم می‌شود، سپس تا می‌خورد و سرانجام تا حضیض افتادگی و ناتوانی سقوط می‌کند. این تصویر، روایت انکشاف آزادی در روابط آگاهانه و مختار آدم‌ها و مبادله داوطلبانه آنها در بازار است. درم‌بخش شاید هنگام انتقال خیال فرزانده خود بر کاغذ، به اقتصاد و سیاست و آزادی و استبداد نمی‌اندیشیده است؛ اما خیال شاعرانه‌اش او را به دل محرکه‌های کشنده که در آن، عقل عالم می‌داند و چشم هنرمند می‌بیند، جدال این معرکه بر سر رهایی است: خواه‌با دانش اقتصادی، خواه با خیال هنرمندانه.

✽مدیر انتشارات دنیای اقتصاد

کتاب

درباره‌ی مردِ بی‌چهره‌ی کامبیز درم‌بخش

کارگاه ساخت روّیا

امیلی امرایی

طنزی لطیف و محترمانه، احتمالاً اولین نکته‌ای است که در ورق‌زدن کتاب داستان‌های دیدنی کامبیز درم‌بخش چشم هر بیننده‌ای را خیره می‌کند. مردی با شانه‌های پت‌وپهن و همیشه کت‌وشلوارپوش که چهره‌ی دقیقی ندارد، اما به‌نظر خجالتی است و در موقعیت‌هایی قرار می‌گیرد که اغلب معذیش می‌کنند و انگار همین حس‌وحال را به تماشاجی این تصویرهای چنداییزودی در هر صفحه به تماشاجی هم منتقل می‌کند. مرد کت‌وشلوازی با شانه‌های پت‌وپهن و کله‌ی بی‌مو و بینی چشم‌گیرش نشان‌های است از حضور کامبیز درم‌بخش، مردی که شقیفته‌ی رؤیاست، گاهی‌وقت‌ها کتاب‌ها را زیر پایش می‌چیند و از بالا آن می‌رود تا از لب دیوار به دشت و دمن آن سو چشم بدوزد و انگار که این رؤیادیدن از پس کتاب‌هایی که زیر پایش گذاشته، فراهم شده است. مرد بی‌چهره‌ی او در میان صفحه‌های سفید محصور نشده، او خیلی‌زود پیش چشم تماشاچی به حرکت درمی‌آید و همچون انیمیشنی سیاه‌وسفید و چندثانیه‌ای بیرون از کتاب برای تماشاگرش عنیت پیدا می‌کند و همدات‌پنداری می‌طلبد. شاید چون او صورت مشخصی ندارد و هرکدام از مخاطبان این کاریکاتورهای سیاه‌وسفید، کلماتش تنها با قلمی سیاه و کاغذی سفید خلق کرده، می‌توانند جای این مرد بی‌چهره باشند. او همان آدم معمولی امروزی است که توی هر گوشه‌ای از جهان می‌تواند زندگی کند، می‌تواند ایرانی باشد، عراقی یا کویایی، هر کسی که در گوشه‌ای از دشتش با مفاهیم حاکم بر زندگی روزمره درگیر است، می‌تواند مرد بی‌چهره و پهن‌شانه‌ی کامبیز درم‌بخش بشود. او حالا انگار خود کامبیز درم‌بخش هم هست، بدلی از او که لایه‌های خطوط ساده و صندلی‌های پارک و گوشه‌ی خیابان با وضعیت‌های انسانی و دشواری‌هایش دست‌وپنجه نرم می‌کند، گاهی با همزادی شبیه خودش روی صندلی پارک دم‌خور می‌شود و دوستی می‌آفریند و گاهی همزادی غافلگیرش می‌کند. درم‌بخش اما می‌گوید این مرد هنرپیشه‌ای است که نقش‌هایی در فیلم‌های کوتاه و کاغذی او ایفا می‌کند، نقش‌هایی که به فراخور آنچه کارگردان می‌خواهد بگوید گاهی معترض هستند، گاهی متفکر، گاهی حیران و اما درعین‌حال هربار راهی برای خروج از موقعیت‌های مخصوصه‌آمیز پیدا می‌کند. او گاهی روی می‌بافت و شاید حتی تکرنگی جز سیاهی خطوط و سفیدی کاغذ هم در میان باشد. ویژگی اغلب کاریکاتورهای این مجموعه چنداییزودی‌بودن آنهاست، داستان‌های مینی‌مالیستی که با خطوط تعریف‌شده‌اند و گاهی به انیمیشن طعنه می‌زنند و درعین‌حال دری رو به رؤیابردازی بی‌پایان درم‌بخش باز می‌کنند. او در یکی از کاریکاتورهای مشهورش از این مرد بی‌چهره، دو مرد شبیه به‌هم را تصویر کرده که این‌بار با کمری خمیده و عصبانی در دست پیش می‌آیند و به‌سهم می‌رسند و بعد جست‌وجو می‌کنند یاد روزگار کودکی و رفاقت می‌افتند و بعد عصاها به هوا پرت می‌شود و بازی فوتبال به راه می‌افتد. این‌جان‌مایه‌یی است از رؤیا، خیال و گرفتاری‌های انسان مدرن در خیابان‌های هر گوشه‌ای از جهان که از کارگاه ساخت روّیای درم‌بخش بیرون آمده‌اند.



داستان‌های دیدنی

کامبیز درم‌بخش

نشر دنیای اقتصاد

چاپ اول: ۱۳۹۵

نگاه

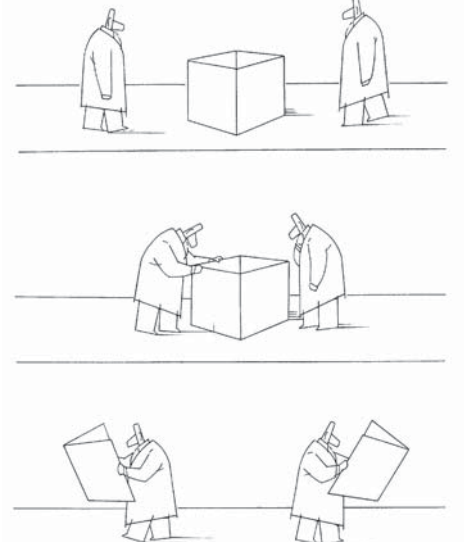
نگاهی به کتاب «داستان‌های دیدنی» کامبیز درم‌بخش کشف و حیرت و آفرینش



هادی حیدری

کارتون‌استریپ (کارتون‌های چندصحنه‌ای) در ایران برخلاف کارتون‌های تک‌فریم، هنری فراگیر نیست و به‌جز معدودی آثار در این دایره، به‌شکل کتاب منتشر نشده است. شاید دلیل آن هنرمندان محدودی هستند که توانایی خلق کارتون‌استریپ را دارند. ذهن خلاق داستان‌پرداز به‌همراه قدرت بیان ایده در قالب خط و فرم از ویژگی‌های هنرمندانی است که به آفرینش کارتون استریپ‌ها دست می‌زنند. به همین خاطر است که انتشار مجموعه کارتون‌استریپ‌های کامبیز درم‌بخش با عنوان «داستان‌های دیدنی» به شکل منسجم و در قالب یک کتاب فاخر، حائز اهمیت فراوان است. با آن‌که در سال‌های متمادی یادداشت‌های زیادی درباره هنرمند بزرگی چون درم‌بخش نگاشته و منتشر کرده‌ام، اما هربار که برای نوشتن یادداشت تازه‌ای دست به قلم می‌برم با چالش‌های جدیدی که حاصل سیر و سفر در دنیای آثار درم‌بخش است، مواجه می‌شوم. با دیدن مجموعه جدید کامبیز، با ذهن بازیگوش و پرتراوتی روبه‌رو می‌شوی که مرتب در پی یافتن مفاهیم تازه از جهان است، چیره‌دستی او در کشف فرم‌های متنوع با حداقل خطوط، شاعرانگی مفاهیم در کنار خط‌ها و فرم‌های لطیف، چین‌وشکن خطوط، هم‌نشینی هوشمندانه فرم‌های دایره‌ای‌شکل و نرم در کنار خط‌های صاف، گویی بیننده را مقابل یک اثر سینمایی روایی با داستانی پرکشش و موسیقی گوش‌نواز، حاصل از خط و بافت و فرم می‌نشانند.

درم‌بخش، راه‌های مختلف و متنوعی برای رسیدن به ایده‌های پرشمارش دارد که ویژه ذهن خلاق اوست؛ از جمله آن‌که او ابتدا یک فرم را در ذهن تجسم می‌کند و با تجزیه آن به فرم‌های تازه می‌رسد. به‌طور نمونه در اثری سه‌صحنه‌ای، ابتدا دونفر به سمت مکعبی در حرکتند. در صحنه دوم درحالی‌که با دقت به آن مکعب نگاه می‌کنند، هرکدام نیمی از آن را برمی‌دارد و مخاطب در صحنه آخر به‌یکباره می‌بیند که آن‌ها دو روزنامه را از مکعب جدا کردند و در حال خواندن آن‌ها از هم جدا شدند! (صفحه۱۴) این‌که هنرمند از یک فرم دور از ذهن به مفهوم و شکل تازه‌ای دست می‌یابد، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های کامبیز درم‌بخش است. به‌عنوان یک مخاطب آثار کامبیز که تلاش می‌کند به لایه‌های جدا شدند! (صفحه۱۴) این‌که هنرمند از یک فرم دور از ذهن به مفهوم و شکل تازه‌ای دست می‌یابد، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های کامبیز درم‌بخش است. به‌عنوان یک مخاطب آثار کامبیز که تلاش می‌کند به لایه‌های پنهان ذهن او دست یابد. بر این باورم که او سه مرحله را پشت‌سر می‌گذارد تا به اثر نهایی دست یابد. اول آن‌که با دقتی ویژه به «کشف» معنا و فرم می‌پردازد. در کام بعدی او از آن کشف، خود دچار «حیرت» می‌شود و برای انتقال این حیرت که ذهن او را به تحرک و هیجان واداشته، آن را بر روی کاغذ جان بخشد و می‌آفریند. درم‌بخش، تو را به نگاه دقیق‌تر پیرامون‌ات دعوت می‌کند؛ دیدن و کشف چیزهای ساده و روزمره‌ای که به‌خاطر تکرار، به چشم نمی‌آیند. مینیمالیسم، حرف اول را در آثار این هنرمند می‌زند. او هرگز خود را درگیر طراحی‌های پیچیده نمی‌کند؛ هرچند رسیدن به این خلوص در فرم و محتوا حاصل سال‌ها جست‌وجوگری است. آن‌چه برای او اهمیت دارد، انتقال معنا و ارتباط فرم و خط است تا به رخ‌کشیدن تکنیک و به عبارتی برگ‌زدن اثر.



درواقع درم‌بخش به جوهر اصلی کارتون که همان سادگی در فرم و محتواست، دست یافته. همین نگاه است که احساس کارهای او را دوجندان می‌سازد. کتاب «داستان‌های دیدنی»، درچه‌های متنوعی را به جهان پیرامون ما می‌گشاید. جهان‌بینی کامبیز، جغرافیای خاصی را دربر نمیگیرد بلکه او یک کارتونبست با دغدغه‌های جهانی است. مفاهیم بسیاری را در این کتاب می‌توان جست‌وجو کرد: اقتصاد، هنر، اندیشه، طبیعت، گفت‌وگو، ورزش، تکنولوژی و چالش انسان معاصر با آن و بسیاری مفاهیمی که کتاب را از غنای ویژه‌ای برخوردار کرده است. در اثری جالب می‌بینیم که مرد با کالسکه بچه وارد صحنه می‌شود و در مرحله بعد در حال ساکت‌کردن اوست. در صحنه سوم او را بغل می‌کند و در آخرین مرحله شاهد آن هستیم که درواقع بچه‌ای در کار نبوده و او لب‌تاپ خود را چون فرزندی در آغوش کشیده و شروع به کارکردن با آن می‌کند! (صفحه ۴۱) این طنز تلخ، روایت انسان معاصر است که در آرزوی زندگی، او را به جایی کشیده که اشیاء بی‌جان را جایگزین انسان کرده است! هنر دیگر درم‌بخش، بیرون‌کشیدن مضامین از دل فضا‌هایی است که هرگز به‌راحتی به ذهن آدمی نمی‌رسد. او حتی «عشق» را از درچه دودکش خانه‌ها به تصویر می‌کشد؛ در جایی که دودهای دو خانه مجاور هم در تالاقی با یکدیگر، هم را در آغوش می‌کشند و در فضا به حرکت درمی‌آیند! (صفحه۴۹) هنرمند بزرگ ما گاهی با قراردادن فرم‌ها در جاهای نامتعارف، مخاطب را سرر کار می‌گذارد و طنزش را از این‌گونه در ذهن او ماندگار می‌کند! (صفحه۵۱) «داستان‌های دیدنی»، یک کلاس آموزش است. کلاسی که به ما نحوه نگارش و جهان‌بینی کامبیز درم‌بخش را به دنیای پیرامونش نشان می‌دهد و دنباله‌ارپون داستان‌ها، نحوه رسیدن او به ایده نهایی را بیش‌تر آشکار می‌کند. بخش زیادی از این کارها را در نمایشگاه‌های مختلف او و با در مجله «همشهری داستان» دیده بودم اما عرضه آن در یک کتاب منسجم که حاصل همکاری مشترک هنرمند، ناشی حرفه‌ای و گرافیستی آشنا و خلاق، شیرینی این آثار را چندین‌برابر کرده است. حسن کریه‌زاده به‌عنوان طراح گرافیک این مجموعه با طراحی چشم‌نواز و دسته‌بندی هوشمندانه آثار براساس درونمایه‌های مشترک، کتاب را از زاویه گرافیک نیز فاخر و منحصربه‌فرد کرده است. این ویژگی را می‌توان از همان جلد کتاب دریافت که عنوان اثر را به شکل دنباله‌دار به تصویر کشیده و با محتوای کتاب، پیوندی شیرین و دلچسب زده است.